



تک‌فرزندی و پیامدهای آن از بُعد اجتماعی و فردی



ترتیب نویسندگان از راست به چپ

گیتی هاشمی

مدیر مرکز آموزش بهورزی ری
دانشگاه علوم پزشکی تهران

سیما جلالی

کارشناس مسؤول آموزش بهورزی و رابط فصلنامه بهورز
دانشگاه علوم پزشکی تهران

دکتر منصوره صافی‌زاده

مدیر گروه سلامت خانواده
دانشگاه علوم پزشکی کرمان

اهداف آموزشی

- امید است خوانندگان محترم پس از مطالعه:
- ◀ عوامل مؤثر بر تک‌فرزندی را توضیح دهند.
- ◀ پیامدهای فردی تک‌فرزندی را بیان کنند.
- ◀ پیامدهای اجتماعی تک‌فرزندی را شرح دهند.

مقدمه

تک‌فرزندان کودکانی هستند که یا خواهر و برادر ندارند و یا به فرزندپذیرفته می‌شوند. در قرن بیستم نرخ تولد و اندازه خانواده‌ها به وضوح کاهش و تعداد خانواده‌های تک‌فرزند افزایش یافته است. عواملی از قبیل نگرانی برای تامین آینده بچه‌ها، فراهم کردن موقعیت و امکانات موفقیت بیشتر برای فرزند، شرایط اقتصادی حاکم بر خانواده‌ها، شاغل بودن والدین، ترس از دست دادن شغل و محدود شدن فعالیت‌های اجتماعی مادر، ازدواج دیرهنگام، تولد دیرهنگام فرزند اول، تفکر خانواده‌ها و کوچک شدن محیط خانه و... می‌توانند علت شیوع این پدیده در اجتماع باشد.

در این مقاله سعی شده است به پیامدهای فردی و اجتماعی تک‌فرزندی پرداخته شود.

پیامدهای فردی

از مهم‌ترین پیامدهای فردی تک‌فرزندی می‌توان به وابستگی شدید والدین به فرزند، حساسیت بیش از اندازه نسبت به آنان، نگرانی و استرس برای والدین و نیز برای فرزند، نبود یک خواهر یا برادر در کنار خود و در نتیجه گرایش به بازی‌های رایانه‌ای و دوستان و دوری از خانه و در نتیجه تلاش ناکافی در زندگی و فرزندسالاری و... نام برد.

باید پذیرفت که مسأله مهم و تأثیرگذار در شکل‌گیری شخصیت تک‌فرزندان، روش تربیتی والدین و نحوه برخورد آن‌ها با فرزند خود است. می‌توان گفت در اصل شیوه‌های فرزند پروری غلط و متمرکز شدن بیش از حد بر فرزند است که آسیب‌زاست. متأسفانه والدین گاهی به دلایلی مثل دلسوزی بیجا برای فرزند، داشتن انتظارات و توقعات بیش از حد توان فرزند، وابسته بودن بیش از حد به فرزند و بالعکس، روش‌های تربیتی نادرستی را در پیش می‌گیرند که در نهایت باعث به وجود آمدن مشکلاتی در زندگی تنها فرزندشان خواهد شد.

بیشتر والدین فکر می‌کنند چون فقط همین یک فرزند را دارند، پس باید هرچه خواست برایش تهیه کنند و هرکاری که گفت انجام بدهند و ممکن است بیش از حد به تنها فرزند خود محبت و توجه نشان دهند و تمام سرمایه‌های مادی و معنوی خود را در

اختیار او بگذارند که متاسفانه برای رشد شخصیت فرزند بسیار بد است. هریک از این رفتارها یعنی محبت و رسیدگی بیش از حد و یا سختگیری و انتظارات بیش از حد می‌تواند به فرزند آسیب برساند. بنابراین اگر والدین واقوام تک‌فرزندها با اصول اولیه تربیت فرزند آشنا نباشند، از آنجا که تمام توجه خود را روی آنان متمرکز می‌کنند خواسته یا ناخواسته با این فشار زیاد منجر به آسیب‌پذیری آنان خواهند شد.

گاهی این رفتار و توقعات والدین به شکلی است که تک‌فرزندان احساس مسؤولیت زیادی پیدا می‌کنند و در نتیجه این فرزندان خودشان را مسؤول حفاظت از قوانین، ارزش‌ها و توقعات خانواده و حتی به اشتباه خودشان را مسؤول برطرف کردن نقایص و کاستی‌های والدین می‌دانند و دایم در پی این هستند که نیازهای عاطفی و یا آرزوهای برآورده نشده آن‌ها را برآورده کنند. گاهی آن‌ها به اشتباه نقش پدر یا مادری را که غایب یا بی‌کفایت است برعهده می‌گیرند و می‌خواهند خلاء او را پرکنند. تک‌فرزندان اهل ارتباط برقرارکردن با دیگران هستند ولی ممکن است در ارتباطات اجتماعی دچار درجاتی از اضطراب بشوند. آن‌ها همیشه نگران کفایت خود و نحوه پذیرش و ارزیابی دیگران از عملکردشان هستند. آن‌ها دوست دارند عملکردشان از نظر اجتماع، خوب، مناسب، بی‌نقص و کامل باشد و به ارزیابی اجتماع از خودشان اهمیت زیادی می‌دهند و همین مسأله می‌تواند آن‌ها را در موقعیت‌های اجتماعی دچار اضطراب کند.

شیوه زندگی خانواده پرفرزند، فرزندان را ناگزیر به واقع‌بینی و سازگاری با واقعیت‌های زندگی می‌سازد. فرزندان این خانواده‌ها از آزادی و استقلال بیشتری برخوردارند. برخی از متخصصان معتقدند که خانواده‌های پرفرزند از لحاظ موفقیت تحصیلی عموماً عقب‌تر از کودکان خانواده‌های کم‌فرزند هستند. اما دشواری‌های عاطفی و رفتارهای ناهنجار در آنان کمتر از کودکان خانواده‌های کم‌فرزند است. تحقیقات نشان می‌دهد که شیوع اختلال‌های روانی در خانواده‌های کم‌جمعیت بیشتر از خانواده‌های پرجمعیت است که این مسأله می‌تواند ناشی از این باشد که دل‌بستگی و همبستگی خانواده پرفرزند به اعضای آن احساس امنیت و آرامش خاطر می‌بخشد. این آرامش و امنیت که بیشتر جنبه عاطفی دارد تا اقتصادی ناشی از آن است که هر عضوی به هنگام روبروشدن با مشکلات از وجود چندین یاری‌دهنده در پیرامون خود مطمئن است.

پیامدهای اجتماعی

عامل دیگری که شیوع تک‌فرزندی را نگران‌کننده می‌کند آینده جامعه‌ای است که نیروی جوانش رو به سوی سالمندی رفته و نیروی جایگزینی برای آن وجود ندارد. از تک‌فرزندی می‌توان به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش رشد جمعیت در کشور نام برد. نمی‌توان علاقه اجتماع به فرزندآوری را انکار کرد. این یک

علاقه تاریخی است. اغلب بزرگسالان در سنین میانسالی ترجیح می‌دهند فرزند بیشتری داشته باشند. این تمایل در سنین بالاتر بیشتر هم می‌شود از سوی دیگر داشتن نیروی کار جوان، سرمایه یک جامعه محسوب می‌شود.

کاهش رشد جمعیت در جامعه باعث می‌شود کشور به سوی میانسالی پیش برود، این موضوع در تمامی شاخص‌های کشور تأثیر خواهد داشت و اگر برای این مسأله چاره‌اندیشی نشود به زودی شاهد رشد جمعیتی منفی در کشور خواهیم بود، به طوری که تا ۲۰ سال دیگر جمعیت غالب کشور را سالمندان تشکیل خواهند داد.

چنین استنباط می‌شود که اثرات منفی سالمندی در کشور، آثار سوء بر اقتصاد، فرهنگ و جامعه زمان خود خواهد داشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

بہتر است سیاست‌های کنترل جمعیت بر اساس نیاز جامعه باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود، هنگامی که نفع همه افراد جامعه بر اساس داشتن جمعیت بیشتر تعریف می‌شود، این برنامه انعطاف لازم را داشته باشد. دولت می‌تواند با برنامه‌ریزی و بسترسازی مناسب و رفع موانع اقتصادی و ایجاد قوانین حمایتی به خصوص از مادران دارای فرزند و فرهنگ‌سازی و تأمین شرایط روحی و روانی مناسب برای تغییر در ذهنیت خانواده‌ها برای نگرش به آینده‌ای امیدوارکننده تأثیرگذار باشد.

در پایان باید به این حکایت قدیمی اشاره کرد که اگر می‌خواهید برای یک سال سرمایه‌گذاری کنید، گندم بکارید، اگر می‌خواهید برای ده سال سرمایه‌گذاری کنید، درخت بکارید. اما اگر می‌خواهید صد سال سرمایه‌گذاری کنید فرزنددار شوید و نسبت به تعلیم و تربیت صحیح آنان اقدام کنید.

منابع

- جامعه‌شناسی و بهداشت عمومی؛ تالیف دکتر سعید سعید مظلومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، انتشارات سبحان
- راهنمای ازدواج شاد و پایدار، بارداری و فرزندآوری؛ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، معاونت بهداشت، دفتر سلامت جمعیت، خانواده و مدارس/ دفتر آموزش و ارتقای سلامت
- آیا داشتن تنها یک فرزند مشکل‌زا است؟ تالیف دکتر الهام شیرازی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، انتشارات قطره